

نوشتِ اول

بعضی از متن‌ها به جای اینکه کلمه‌ها را به بازی بگیرند کلمه‌ها به بازی شان می‌گیرند. متأسفانه بیشتر متن‌های منتشرشده و یا متن‌هایی که می‌خواهند منتشر شوند از نوع دوم‌اند و هیچ تأثیری در مخاطب بوجود نمی‌آورند. مخاطب که خود متنی است روبروی متن، در متنی که کلمه‌ها به بازی اش گرفته‌اند چیزی نمی‌بیند.

فقط چیزی می‌شنود که ذهن میل به جذب اش را ندارد. خیال هم مروراش نمی‌کند حتی برای یکبار هم. چون ذهن و خیال خود پیش از روبرو شدن با هر متنی قادر به آفرینش متنی‌اند که آشناتر با واقعیت‌ها و حقیقت‌های باید و نبایند، واقعیت‌ها و حقیقت‌های بوده و نبوده‌اند. چیزی است که در درون هر کس، اخلاص آن کس است، حداقل برای خودش.

پس وقتی ما از متن حرف می‌زنیم از متنی حرف می‌زنیم که بتواند و یا توانسته باشد کلمه‌ها را به بازی گرفته باشد. به بازی گرفتن کلمه به بازی گرفتن شیء نیست. بازی نیست. تأمل در انتقال آنچه از ذهن گذشته و یا در ذهن هست بوسیله‌ی کلمه.

کلمه راز ذهن را آشکار می‌کند. ذهن، تشنه‌ی پیدا شدن و پیدا کردن است. ذهن تشنه تشنگی اش را با کمک کلمه‌ای، با بازی با کلمه‌ای، سیراب می‌کند.

کلمه‌ای پنهان، راز کلمه‌ای آشکار می‌شود بر لب. لب به ذهن متصل می‌شود و هرچه از طریق این اتصال بر صفحه نوشته می‌شود و یا می‌آید غایت نوشتن است.

سردبیر